مدیریت شهری
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016
۴۸۱-۴۹۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

# «مقام نور در آیه نور»؛ معرفی اصول کیفی نور(طبیعی) منطبق بر متون قرآنی جهت کاربست در فضاهای عبادی معاصر

**بهرام احمدخانی ملکی*** – دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
**فرزین حق‌پرست** – استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

## چکیده
تجلی متافیزیک نور بر فیزیک بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در عرفان و معنا قرار داده است. نور در معماری سنتی و در فرهنگ اسلامی نمادی از خداوند و وحدت الهی است به همین خاطر جایگاهی خاص در معماری فضاها به خصوص فضاهای مذهبی مانند مساجد دارد. هنر مقدس هنری است که در آن حضور حق جاری باشد و دیدن آن، انسان را به یاد خداوند بیندازد و معماری قدسی اسلام بیش از هر چیز در وجود مسجد تجلی یافته است. امروزه در مساجد معاصر کمتر به مقوله نور به عنوان یک عنصر هویت‌بخش توجه شده است. هدف از نگارش این مقاله شناسایی خصوصیات کیفی نور (طبیعی) بر اساس متون قرآنی در راستای تحقق‌پذیری فضای معنوی می‌باشد. آیه ۳۵ سوره نور، کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود که فهم آن، منوط به شناخت کامل یکایک کلمات و آنگاه ترکیب مفاهیم و جملات آیه است؛ چندان که بدون چنین شناختی دست یافتن به مقصد و تفسیر آیه، مشکل می نماید. لذا نگارنده بر اساس تاویل های صورت گرفته توسط فلاسفه اسلامی در خصوص آیه نور و بررسی مفاهیم مستتر در اجزای این آیه، مشخصات کیفی نور(طبیعی) را استخراج نموده است.روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق استدلال منطقی با تکنیک توصیفی و تحلیلی می باشد. یافته اصلی تحقیق، استخراج هفت اصل مربوط به خصوصیات کیفی نور(طبیعی) از آیه نور می باشد. این اصول عبارتند از:اصل هستی بخشی، اصل سلسله مراتب، اصل عدالت، اصل نفی ماده، اصل استمرار و تداوم، اصل حرکت و جهت و اصل آیتی. بدیهی است که با حضور کیفی نور(طبیعی) در فضای عبادی، مفاهیم عینی و ذهنی در فضا بوجود آمده و باعث حس معنویت (سیر از ظاهر به باطن) توسط مخاطب و در نهایت افزایش تعلق به مکان مقدس را منجرخواهد شد.

**واژگان کلیدی:** نور(طبیعی)، آیه نور، اصول کیفی نور، فضای عبادی.

## Light Dignity in Ayat al-Nur; Qualitative principles of (natural) light based on Quranic texts for application in contemporary Religion spaces

### Abstract
Manifestation of metaphysics is based on the physics of light, it is the main axis of the aesthetics of Islamic architecture in the spirituality and meaning. The traditional architecture in the light of Islamic culture and a symbol of the divine unity of God and is therefore a special place in the architecture of religious spaces, such as spaces, particularly mosques. Sacred art is art in which the presence of this right, and see to it that the human spark, remember God and Islam's sacred architecture more than anything there is in the mosque at Epiphany. Nowadays, contemporary in mosques to less light as an element of identity section note. The purpose of writing this article is to identify the properties of the (natural) light quality based on Quranic texts in order to fulfill the disclosure of spiritual space. Verse 35 of Surah Noor(Ayat al-Nur), light verse of the Quran is the most complete understanding of it, depends on understanding individual words and then sentences the combination of concepts and verses, so getting to and interpretation of the verse without such knowledge, problem. So the author based on interpretations by Islamic philosophers of the verse and the verse implied senses of components, quality characteristics of (natural) light is the extract.The method used in this research is descriptive and analytical reasoning techniques. The main findings of the research, extraction seven principles relating to the quality of light (natural) light is the ayah. These principles include: The principle of the universe, the principle of hierarchy, the principle of Justice, the rejection of the principle of the matter, the principle of motion and the principle of continuity, stability and order and the principle of mystery. Obviously, the quality of (natural) light in the worship space, both objective and subjective concepts in space and the sense of spirituality (The appearance of the backend) awarded by audiences and ultimately increase will lead to the holy place.

**Key words:** (natural) Light, Ayat al-Nur, quality of light, Religion space.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۳۰۸۰۱۸۵ رایانامه: b.ahmad.khani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور(روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می‌باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

## ۱. مقدمه

«انگیـزۀ روی آوردن بـه سـوی نـور در هنگام پرسـتش خداوند در ادیان مختلف وجود داشـته و دارد. در اسـلام و جهان‌بینـی اسـلامی نیـز نـور روز از جایـگاه ویـژه و ارزشـمندی برخـوردار بـوده اسـت. از اینـرو هنرمندان اسـلامی همـواره کوشـیده‌اند تـا در آنچـه می‌آفرینند از نـور بـه عنـوان نمـاد و مظهـری کـه به وحـدت الهی نزدیـک اسـت، حداکثر بهره را ببرنـد. فضاهای معماری ایرانـی نیز همـواره آکنده از جلوه‌هـای بصری و معنوی نـور بـوده که تجلی ایـن جنبه‌های معنـوی و تزئینی را می‌تـوان در معمـاری مسـاجد بـه عنوان شـاخص‌ترین بناهـای اسـلامی به خوبـی مشـاهده کـرد» (بمانیان و نیکـودل، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

بـا وقـوع انقـلاب صنعتـی، رواج تفکـر مـدرن و جهانی شـدن ابـزار مدرنیزاسـیون، دگرگونی‌هـای بنیادینـی در زندگـی بشـر بـه وقوع پیوسـت. پیشـرفت فنـاوری، تنـوع محصـولات و فرآورده‌هـای مـدرن و در نهایـت توسـعه اصـول جهانـی معمـاری مـدرن باعـث ایجـاد تحولاتـی در عالـم معمـاری گشـت کـه برخـی از آن تغییـرات جبران‌ناپذیـر بـه نظر می‌رسـد. نگاهـی گذرا بـه معمـاری ایران در صد سـال گذشـته نماینگر حذف و یـا ناکارآمد انگاشـته شـدن عناصر فضاهـای معماری بوده اسـت که در طـول قرنها، حضوری پایدار داشـتند. عناصـری کـه نـه تنهـا جنبه‌هـای عملکـردی معماری را اعتـلاء می‌بخشـیدند بلکـه بـا همسـازی بـا شـرایط اقلیمـی منطقـه، نوعـی معنویـت خـاص بـرای فضـای معمـاری فراهـم می‌نمودنـد. امـروزه نگـرش کمیتـی و نادیـده گرفتـه شـدن جنبه‌هـای معنایـی در طراحـی اغلـب فضاها موجب گشـته تا طراحی نـور به تأمین نور مـورد نیـاز بـرای فعالیت‌هـای فیزیکی تقلیـل یابد. این امـر موجـب از بین رفتن آثـار روح‌بخش نـور در فضای عبـادی و نیـاز به اسـتفاده هرچـه بیشـتر از انرژی‌های الکتریکی شـده اسـت. امروزه معماران بـرای بکارگیری جلوه‌هـای اثرگـذار و کیفـی نـور وابسـته بـه تجهیزات نـور مصنوعی شـده‌اند فـارغ از آنکه هنـر بکارگیری نور طبیعـی اثـرات ماندگار کیفـی و کمی بی‌شـماری دارد کـه در تاریـخ معمـاری غنی ایـران به شـیوه‌ای خلاقانه توسـط معماران با ذوق و آگاه ایرانی به کار رفته اسـت. لازم بـه ذکـر اسـت کـه؛ بواسـطه نـور تصاویـر عینی و ذهنـی از دنیـای اطـراف در ذهـن ما شـکل می‌گیرد و فضـای ادراکـی تنهـا از طریـق دریافت کیفیـات فضای واقعـی تصویـر می‌شـود. ناگفتـه پیداسـت کـه فضـای ادراکـی بـا فضـای واقعی یکی نیسـت. و تصویـر ذهنی از فضـا نتیجـه نهایی اسـت کـه در نتیجـه ادراک روی داده اسـت. کیفیـت فضـا ، چونـی و چگونگی فضاسـت کـه تأثیـر عاطفـی خاصـی بـر انسـان می‌گـذارد. و این کیفیـت از ویژگیهـای بالقـوه آن منتـج می‌شـود کـه با حلـول نـور بـه فعـل در می‌آینـد. بـه سـخن بهتـر، نور بـا خصوصیـات کیفـی خـود عامـل اساسـی در تبدیل فضـای عبـادی بـه مـکان مقـدس می‌باشـد. بـر ایـن اسـاس، نگارنـده در پژوهـش حاضـر بر اسـاس تفاسـیر صـورت گرفتـه در مورد «نور» و «آیـه نور» خصوصیات کیفـی نـور را اسـتخراج نمـوده، تـا بـا معرفی آنهـا، در بهبـود کیفیـت فضایـی مسـاجد قدم‌هـای اساسـی برداشـته شود.

## ۲. پیشینه بحث

بحث نور در یونان در دوره پیش از سـقراط در اندیشـه امپدوکلـس (هومـن، ۱۳۸۱، ص ۹۴) و پارمنیـدس و دردوره هـای پس از سـقراط، در اندیشـه های افلاطون و دیگـران مطـرح شـده اسـت. در آییـن مسـیح(ع) نیز کتـاب مقـدس بـا سـخن دربـاره آفرینـش نـور آغـاز می‌شـود (کتـاب مقـدس، ۱۳۶۲، ص۱ ). در دوره پـس از ظهـور دیـن مسـیحیت نیـز اشـاراتی از سـوی برخی متفکـران چون اسـپینوزا، (اسـپینوزا، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴) بـه این موضوع شـده اسـت.

در ایـران پیش از اسـلام نـور در آیین زرتشـتی جایگاه ویـژه ای داشـته اسـت (میرفخرایـی، ۱۳۸۳، ص ۲۲). اسـاس دیـن مانـی نیـز بـر دو اصـل خیر و شـرّ یـا نور و ظلمـت اسـتوار اسـت (تقـی‌زاده، ۱۳۳۵، ص۳۷). دربـاره طـرح ایـن موضـوع در اسـلام مـی تـوان گفـت وجـود سـوره ای بـه نـام «نـور» در قـران و نیـز آیـه‌ای بـه نـام «نـور» در این سـوره، همچنین چهل و سـه بار

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۱. مفهوم نور در فرهنگ لغات (بر اساس پردازش اطلاعات نگارنده).**

| منبع | مفهوم |
|---|---|
| دهخدا(۱۳۷۷) | ۱-روشنائی. ۲- روشنی هرچه باشد، یا شعاع روشنی. ۳- ضیاء، سنا، ضوء، شید، فروغ. ۴- کیفیتی که بوسیله حس بینائی درک می‌شود و به وساطت آن اشیاء دیده می‌شود. |
| عمید(۱۳۷۹) | ۱-روشنایی؛ تابش؛ فروغ؛ فروز: نور چراغ، نور آفتاب. ۲- توانایی دیدن. ۳-بیست‌وچهارمین سورهٔ قرآن کریم. ۴- رونق. |
| معین(۱۳۷۹) | ۱ - روشنایی، فروغ. ۲- شعاع. ۳- قدرت دید، سو. ۴- سورهٔ بیست و چهارم از قرآن کریم. ۵ - رونق، جلوه. |
| فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶ تا۱۳۸۵) | گستره‌ای از طیف الکترومغناطیسی که چشم آن را می‌بیند؛ گاهی این اصطلاح برای تابش‌های فروسرخ و فرابنفش نیز به کار می‌رود. |

تکرار این واژه در آیات مختلف بیانگر اهمیت این بحث می باشد. پس از نزول قرآن نیز که مفسران به تفسیر آیات قرآن به روش های مختلف روایی، عرفانی، اجتهادی، فلسفی، کلامی پرداختند برخی مفسران مانند علامه طباطبایی، فخر رازی، ملاصدرا مباحث مفصل و مبسوطی درباره این موضوع ارائه کرده اند و بزرگانی چون ابوحامد غزالی، ابن سینا علی رغم نپرداختن به تفسیر کل قرآن، از توجه به آیه مبارکه نور غافل نمانده و رساله هایی در تفسیر این آیه مبارکه تألیف کرده‌اند که این مطلب بیانگر اهمیت این آیه و مباحث مربوط به آن می باشد. برخی متفکران دیگر همچون شیخ اشراق فلسفه خود را بر نور و ظلمت بنا نهاده‌اند.

## ۳. فرآیند پژوهش

**۳,۱. هدف پژوهش:** هدف از این پژوهش، معرفی خصوصیات کیفی نور(طبیعی) بر اساس متون قرآنی جهت کاربست در معماری معاصر فضاهای عبادی می باشد.

**۳,۲. سوال پژوهش:** نور (طبیعی) با چه خصوصیات کیفی، مشخصات فضای عبادی را به یک مکان معنوی تغییر داده و حس مکان مقدس را بوجود می‌آورد؟

**۳,۳. روش پژوهش:** روش تحقیق مورد استفاده، استدلال منطقی با تکیه بر تکنیک های توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

## ۴. ادبیات موضوع

### ۴,۱. مفهوم لغوی نور

طلوع خورشید با پراکنده شدن اشعه‌هایی همراه است که مجموع آنها نور نامیده می‌شود. نور یعنی روشنایی یا شعاع روشنی، کیفیتی که خودش پیدا، آشکار و روشن است و اشیاء دیگر را روشن و پیدا می‌کند. نور، مترادف ضیاء، ضوء و روشنایی است. در لغت و اصطلاح علوم، نور و ضوء اندکی متفاوتند. ضوء، «نور ذاتی شی» و کیفیتی است که کمال بالذات شی شفاف از آن جهت که آن شی شفاف است محسوب می‌شود. اما نور، از غیر خود مستفاد شده و کیفیتی است که جسم غیرشفاف از آن بهره‌مند شده و شفاف بالفعل می‌گردد(نوربخش، ۱۳۸۴، ص۷). مفهوم نور در فرهنگ لغات دهخدا، عمید، معین و فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شرح ذیل در جدول شماره (۱) آمده است:



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

### ۴،۲.جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی

بنیاد هستی و بزرگترین حقیقت عالم را در نور میتوان یافت. حضور نور در آثار معماری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی (پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران) چه از جنبه عملکردی نور که عاملی برای روشنایی و حیات‌بخشی در فعالیت‌های روزانه بوده است و چه از جهت اهمیت آن در مباحث اعتقادی ادیان، همواره مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. قرنهاست که عارفان در ستایش نور در مقام جوهری معنوی سرودها خوانده و شعرها سروده‌اند. انگیزه روی کردن به سوی نور و فروغ در هنگام پرستش خداوند در آیین زردشتی به روشنی در این سخن آشوزردشت هویداست: «چون خداوند یا نور کل به دیده ظاهری ما دیده نمی‌شود، پس باید با دیده ظاهربین رو به سوی انوار صوری یا ظاهری نموده و از این راه وجدان معنی بین را به سوی نور معنوی یعنی اهورامزدا راهنمایی کرد» (اوشیدری، ۱۳۷۹، ص۲۵).

فرهنگ اسلام، مفهوم اصیلی از نور ارایه می‌دهد که با تاویل عالمانه و در سایه ژرف‌نگری قابلیت رمزگشایی دارد. واژه نور و متعلقات آن چهل‌ونه بار در قرآن ذکر شده است و در معانی مختلفی چون ایمان، یقین، پاکی، رحمت، هدایت‌گری، قداست، نور عقل که ظلمت جهل را ویران می‌کند و ... آمده است. درآیه ۳۵ سوره نور، «الله نور السموات و الارض... «که کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود، مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص۳۶۵). نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی‌بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظهر لغیره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج۲: صص۱۱۴-۱۱۳). از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالنوار می‌باشد (بمانیان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفادهٔ مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

### ۴،۳.نور در دیدگاه قرآن

مسلمانان معتقدند کسانی که به مرتبه والایی از آگاهی معنوی رسیده‌اند و حقیقت را درک می‌کنند، سرشار از نور آگاهی الهی هستند و آغوش آنها به روی دریافت موهبت‌های عظیم الهی باز است. به عقیده مسلمانان، نور بر اشراق‌یافتگان می‌تابد، حتی اگر در فقر مادی به سر برند. کسانی که در نور هستند، فقر یا درماندگی را نمی‌شناسند؛ زیرا با غنای معنوی و شکوه الهی آشنا شده‌اند. اساتید اشراق یافته و پیامبران خدا همانند آیینه‌ای هستند که مومنانه نور خدا را منعکس می‌کنند (باسائو، ۱۳۸۵، ص ۶۵). اسلام می‌گوید: «دین، نوری درخشان است که می‌تواند از انسان محافظت کند. وقتی که نور از بشر پنهان باشد، در آرامش و صلح وقفه ایجاد می‌شود. نور در درون ما پنهان است و هنگامی که ساکنان زمینی نمی‌توانند دین را به عنوان یک نور الهی بدانند و به آن احترام بگذارند، به طور قطعی شکست می‌خورند. افق جهان، درخشان از نورالنور یا همه نورها است. اما عموم بشریت قادر به دیدن آن نیستند» (همان، ص۱۰۰). در قرآن کریم، به کرات از نور یاد شده است. جدول شماره (۲) اشاره به آیاتی از قرآن‌کریم دارد که در آنها به نور اشاره شده است. از میان آیات مذکور، عظیم‌ترین آیه قرآن در مورد نور، آیه ۳۵ سوره نور است. از دیدگاه مفسران اسلامی، آیه فوق بیانگر این حقیقت است



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

کـه «خـدای تعالـی دارای نوری عمومی اسـت که با آن آسـمان و زمین نورانی شـده اسـت و در نتیجه بوسـیله آن نـور در عالـم وجـود حقایـق ظهـور نموده اسـت که ظاهـر نبـوده و بایـد هم این چنین باشـد. چـون ظهور هـر چیـز اگـر بـه وسـیله چیـز دیگری باشـد، بایـد آن وسـیله خودش بـه خودی خود ظاهر باشـد تـا دیگران را ظهـور دهـد و تنهـا چیزی کـه در عالم بـه ذات خود ظاهـر و بـرای غیر خـود مظهر باشـد، همان نور اسـت. پـس خـدای تعالـی نوری اسـت کـه آسـمان‌ها و زمین بـا اشـراق او بـر آنها ظهـور یافته‌انـد. همچنان کـه انوار

**جدول ۲. مفهوم نور در تعدادی از آیات قرآنی (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)**

| سوره | آیه | متن آیه و ترجمه | برداشت مفهومی |
|---|---|---|---|
| مائده | ۴۴ | إِنّـا أَنزَلْنَـا التّـوْرَاةَ فِيهَـا هُـدًى ...؛ مـا تـورات را کـه در آن رهنمود و روشـنایی بـود، نـازل کردیم ... | نور معادل تورات |
| مائده | ۴۶ | ... وَ آتَيْنـاهُ الْإِنْجيـلَ فيـهِ هُـدىً وَ نُـورٌ وَ مُصَدِّقاً لِما بَيْـنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّـوْراةِ وَ ...؛ ... و او را انجیـل دادیـم کـه در آن هدایـت و نـور بـود و آن نیـز تصدیق کننده تـورات پیش از خـود و ... | نور معادل انجیل |
| رعد | ۱۶ | ... قُـلْ هَلْ يَسْـتَوِي الأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْـتَوِي الظُّلُمَـاتُ وَالنُّورُ ...؛ ... بگو: آیـا چشـم نابینـا (ی جاهل) و دیـده بینا (ی عالم) یکسـان اسـت؟ یا ظلمات (شـرک و بت پرسـتی) با نور (معرفت و خدا پرسـتی) مسـاوی اسـت؟ ... | نور به معنای بینایی و روشنایی |
| توبه | ۳۲ | يُرِيـدُونَ أَن يُطْفُـواْ نُـورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِـمْ وَ يَأْبَـىَ اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِـمَّ نُـورَهُ وَ لَـوْ كَـرِهَ الْكَفِـرُونَ؛ می‌خواهنـد نـور خـدا را بـا دهـان خـود خامـوش کننـد، و خدا جز بـه کمـال رسـاندن نـور خـود نمی‌خواهـد. هر چنـد کافـران را خـوش نیاید. | نور به معنای قرآن |
| تغابن | ۸ | فَآمِنُـوا بِـاللَّهِ وَرَسُـولِهِ وَالنُّورِ الَّـذِى أَنْزَلْنَـا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيـرٌ؛ پس، به خدا و رسـولش و نـوری (کتـاب آسـمانی قـرآن) که نـازل کردیـم، ایمـان آورید و بدانیـد کـه خداونـد بـه آنچه عمـل می‌کنید آگاه اسـت. | نور به معنای پیامبر |
| زمر | ۶۹ | واشرقت الارض بنور ربها ...؛ و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت ... | نور به معنای راه راست |
| حدید | ۹ | هُـوَ الَّـذى يُنَـزِّلُ عَلى عَبْـدِهِ آيـاتٍ بَيِّنـاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِـنَ الظُّلُماتِ إِلَـى النُّورِ ...؛ اوسـت کـه بـر بنـده خود همـواره آیات و دلایل روشـنی فرو می‌فرسـتد تا شـما را از تاریکی‌هـا به سـوی نـور (هدایت) بیـرون آورد ... | نور به معنای راهنما و رهبر |
| حدید | ۱۹ | وَالَّذيـنَ آمَنُـوا بِـاللهِ وَ رُسُـلِهِ اُولئِـکَ هُـمْ الصِّدّيقُـونَ وَالشُّـهَداءُ عِنْـدَ رَبِّهِـمْ لَهُـمْ اَجْرُهُـمْ وَ نُورُهُـمْ؛ کسـانی کـه بـه خـدا و رسـولان او ایمـان آوردنـد، آنهـا «صدیقیـن» (بسـیار راسـتگویان و تصدیـق کننـدگان) و گواهـان نـزد پروردگارشـان هسـتند، بـرای آنهـا اسـت پاداششـان و نورشـان. | نور به معنای اجر و پاداش |
| یونس | ۵ | هُـوَ الَّـذِى جَعَـلَ الشَّـمْسَ ضِيَـاء وَالْقَمَـرَ نُـوراً ...؛ خـدا اسـت که خورشـید را درخشـان و مـاه را تابـان گردانـده اسـت ... | نور حسی |



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

| | | | |
|---|---|---|---|
| نور | ۳۵ | اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خدا نور آسمانها و زمین است مثال نور او همچون محفظه‌ای است که در آن چراغی باشد، و چراغ در شیشه‌ای است، شیشه‌ای چون یک ستاره درخشان که آن چراغ با روغن زیتی صاف و زلال باشد از درخت پر برکت زیتون که نه شرقی است و نه غربی گرفته شده، در نتیجه آنچنان صافی و زلال است که نزدیک است خود به خود محترق شود، اگر چه آتش هم به آن نرسیده باشد، چنین چراغی نورش دو چندان و نوری فوق نور است، خدا هر کس را که بخواهد به نور خویش هدایت می‌کند و خدا این مثلها را برای مردم می‌زند و او به هرچیزی داناست. | نور به معنای خدا |

حسی نیز اینگونه هستند، یعنی خود آنها ظاهر هستند و با تابیدن به اجسام ظلمانی و کدر آنها را روشن می‌کنند. با این تفاوت که ظهور اشیاء به نور الهی عین وجود یافتن آنها است. ولی ظهور اجسام کثیف بوسیله انوار حسی، غیر اصل وجودی آنها است» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ص ۱۷۰).

تاکید بر نسبت میان وجود و نور به ویژه در تفسیر آیه نور آن هم از سوی یکی از بزرگترین مفسران معاصر، تاییدی بر این همانندی است: «نور عبارت است از چیزی که ظاهر بالذات و مظهر غیر است، مظهر اجسام قابل دیدن. و چون وجود هستی هر چیزی باعث ظهور آن چیز برای دیگران است، پس مصداق تام نور همان وجود است و از سوی دیگر چون موجودات امکانی وجودشان به ایجاد خدای تعالی است پس خدای تعالی کامل‌ترین مصداق نور می‌باشد. اوست که ظاهر بالذات و مظهر ماسوای خویش است و هر وجودی به وسیله او ظهور می‌یابد و موجود می‌شود. پس خدای سبحان نوری است که بوسیله او آسمان‌ها و زمین ظهور یافته‌اند» (همان، ص۱۷۲). اما آیه ۳۵ سوره نور نه تنها به این دلیل که کاملترین آیه نوری قرآن است، مورد توجه ما است، بلکه وجود تعابیری چون «مثل نوره» و نیز تشبیهاتی چون «مشکاه»، «زجاجه» و «کوکب» خود محکم‌ترین دلیل بر اثبات عالم مثال و وجود حقیقی نور در مراتب خویش است.

**۵. نور و آیه نور در دیدگاه فلاسفه اسلامی**

پس از سایه‌گستری دین اسلام بر سرزمینی به گستردگی آسیای مرکزی تا سلسله جبال پیرنه، مراکزی علمی مانند حوزه علمی اسکندریه که در این بخش از جهان متمدن آن روزگار قرار داشت، توجه مسلمانان را به خود جلب کرد و باعث شد که متفکران اسلامی به ترجمه کتابهای علمی از زبانهای سریانی، یونانی و پهلوی به زبان عربی بپردازند. توجه اساسی مسلمانان به ترجمه علوم و فنون از میانه قرن دوم هجری آغاز شد و در سالهای پایانی قرن چهارم به اوج خود رسید. در این مدت کتابهای بسیاری در دانشهای گوناگون همانند فلسفه، منطق، طبیعیات و ریاضیات ترجمه شد. مسلمانان در این برهه که عصر ترجمه)نهضت ترجمه) نام گرفت به جذب کلیه اندوخته‌های فرهنگی که پیش از اسلام در شرق و غرب وجود داشت، همت گماشتند و آن را با تعالیم دین خویش پیوند دادند. فلسفه اسلامی نیز مانند سایر نحله‌های فکری اسلامی محصول حوزه معرفت دینی است. قرآن کریم به



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۳. نور و تاویل مثال های نوری آیه نور از دیدگاه فلاسفه اسلامی (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)**

| | | ابن سینا | غزالی | سهروردی | ملاصدرا |
|---|---|---|---|---|---|
| نسبت میان نور و خداوند | | خداوند حد اعلی و اتم و اکمل نور و کمال مطلق است. | منبع تمام نورها خداست. | نور مطلق خداست و نزدیکی به نورالانوار موجب افزایش قدرت حضور می‌شود. | نور حقیقی همانا خداست. |
| تاویل مثال های نوری آیه نور | مشکات | عقل هیولانی | روح حساس | پدر حضرت محمد(ص)، مبدع، نور ارشاد | عالم اجسام |
| | زجاجه | عقل بالملکه، نفس | روح خیالی | چشم | عرش |
| | نار | عقل فعال | – | نور | – |
| | زیت | قوه قدسیه، حدس | – | – | عالم ارواح نفسانی |
| | فتیله | – | – | – | – |
| | مصباح | عقل بالفعل | روح عقلی | ایمان حضرت محمد(ص)، علم، دل، عقل تاریک که با قرآن روشن می شود | روح اعظم |
| | نور | عقل مستفاد | روح قدسی نبوی | امام، خلیفه خدا روی زمین | – |
| | درخت | فکر | روح فکری | قوه تفکر، درخت موسی، درخت زیتون | هیولای کلی |

عنوان یکی از منابع الهام فلسفه اسلامی، به رغم گمان برخی از متفکران غربی هسته مرکزی تفکر مابعدالطبیعی فلاسفه و مشحون از مسائلی است که مورد توجه مشترک دین و فلسفه می‌باشد. از این رو در پی تعارضی که بین آرای فلسفی خردورزان یونان با متون دینی به وجود آمده بود، فیلسوفان مسلمان کوشیدند تا به فهم متون نایل آیند و از این طریق میان فلسفه و دین همسویی ایجاد کنند. شایان توضیح است که بسیاری از متکلمان در تبیین و تفسیر متون دینی به ظواهر قرآن تمسک کردند و برای عقل هیچ مدخلیتی در تفسیر آیات و تبیین مبانی معرفتی ایمان قائل نشدند. این گروه که به ظاهرگرایان معروفاند، در تفسیر مفاهیمی چون: عرش، کرسی، صراط، لوح و قلم به معنای ظاهری آنها اکتفا نموده، فهم ظاهر قرآن را به عنوان یگانه راه حقیقی تصور کردند. در مقابل اینان معتزله بودند که به حجیت عقل اعتقاد داشتند و هر جا آیات قرآن را مخالف عقل می‌دیدند آن را به کمک عقل تأویل می‌کردند. اشاعره نیز رویکرد سومی را پیش گرفتند. آنان هر چند عقل را انکار نمی‌کردند، ولی در مقابل ایمان، قائل به حجیت عقل نبودند. فلسفه اسلامی در تقابل میان این سه رویکرد به وجود آمد. البته این رویکرد چهارم بیشتر وامدار مذهب تشیع است. شاید به همین خاطر دانشیان



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

شـیعه توجـه خاصـی بـه فلسـفه ابـراز نموده‌انـد؛ چـه اینکـه مذهـب تشـیع در میان مذاهب اسـلامی بیشـتر مبتنـی بـر تعقـل و خـردورزی بـوده اسـت. بنابرایـن طبیعـی می‌نمـود کـه فیلسـوفان مسـلمان شـیعی کوشـش بیشـتری در سـازش میان دین و فلسفه کرده باشـند که کنـدی (۱۸۵-۲۶۰ق) در آغـاز آن قرار دارد و ابن‌سـینا آن را بـه اوج خـود رسـاند و سـرانجام بـه دسـت توانـای مرحـوم صدرالمتألهیـن بـه بار نشسـت. فیلسـوفان مسـلمان راه آشـتی بیـن دیـن و فلسـفه را در تفسـیر فلسـفی قرآن می‌جسـتند. تفسـیر فلسـفی قـرآن چنـان کـه در روش تفسـیری هر یک از فلاسـفه خواهـد آمـد درصـدد دریافت صـورت اصلـی و حقیقی آیـات الهـی اسـت. سـعی و تـلاش فیلسـوفان رهیابـی به شـناخت حقیقت پدیده‌هاسـت. فیلسـوف به وسـیله تأویـل درصـدد حقیقت‌یابـی مفاهیـم و پدیده‌هایـی اسـت که بـر روی پـرده حقیقـت ظاهرنمایـی می‌کند. فیلسـوف می‌کوشـد ایـن پرده را بـا تأویل بـه کنار بزند و قسـمت ناپیـدای آن را هویدا سـازد؛ امـا اینکه در این راه چـه انـدازه کامیـاب و پیـروز بـوده و توانسـته‌اند به توفیـق میـان دین و فلسـفه نایل آیند، بحث مسـتقلی را می‌طلبـد کـه از حوصلـه ایـن مختصـر خارج اسـت. ایـن بخـش از جسـتار حاضـر، نگاهـی جامـع بـه فهـم فیلسـوفان مسـلمان از آیـه نـور دارد تـا در پرتـو آن، دسـتاوردی از مذهب تفسـیری اینان را نیـز بیان کرده باشـد. لـذا در دو بخش نسـبت نور به خداونـد و منظور از مثالهـای آیـه نـور بـه توصیـف و تحلیـل نظـرگاه هر یـک از آنـان در جـدول (۳) پرداختـه ایم

**۶. معرفی اصول کیفی نور بر اساس آیه نور**

بـر اسـاس تاویل‌هـای صـورت گرفته توسـط مفسـران اسـلامی از یـک طرف و ادبیات تحقیـق؛ نگارنده اصولی را از متـن آیـه نـور اسـتخراج نمـوده اسـت کـه همـان اصـول پایدار حضـور کیفی نور در معمـاری قدیم ایران اسـت، کـه در ذیـل بـه آنهـا اشـاره می‌شـود. بـا توجـه بـه اینکـه قـرآن وابسـته بـه مـکان و زمـان نیسـت لذا ایـن احـکام مسـتخرج نیـز قابلیـت تعمیـم پذیـری در هـر زمـان و مکانـی را دارد و به بکار بسـتن ایـن الگوها می‌توانـد مشـخصات فضـا را کیفـی کـرده و آن را بـه یـک مـکان مقـدس هویـت دار جهـت انجـام فرایـض دینـی مبـدل سـاخت. نگارنـده آیـه نـور را بـه هفـت قسـمت، جزء بندی نموده و بر اسـاس مفاهیم مسـتتر در آنهـا، اصـل صـادر شـده از آنهـا را بیان نموده اسـت کـه به قـرار زیـر می باشـند:

• اصـل اول: «اللّٰهُ نُورُ السَّـمٰوَاتِ وَالاَرْضِ»؛ اصل هسـتی بخشـی مبتنی بـر اصل یگانگـی وجود.

• اصـل دوم: « مَثَـلُ نُـورِهِ کَمِشْـکوٰةٍ فِیهَـا مِصْبَـاحٌ الْمِصْبَـاحُ فـی زُجَاجَـةٍ الزُّجَاجَـةُ کَاَنَّهَـا کَوْکَـبٌ دُرِّیٌّ»؛ اصـل سلسـله مراتـب بـودن نـور مبتنـی بـر جمیـل و جـلال.

• اصـل سـوم: « یُوقَـدُ مِـنْ شَـجَرَةٍ مُبَارَکَـةٍ زَیْتُونَـةٍ لاَ شَـرْقِیَّةٍ وَ لاَ غَرْبِیَّـةٍ»؛ اصـل عدالت(بی‌جهتـی و همه جهتـی )

• اصـل چهـارم: «یَـکَادُ زَیْتُهَـا یُضِیـآءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْـهُ نَـارٌ»؛ اصـل نفـی ماده.

• اصل پنجم: « نُورٌ عَلی نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم.

• اصـل ششـم: «یَهْـدِی اللّٰهُ لِنُـورِهِ مَـنْ یَشَـآءُ»؛ اصـل حرکـت و جهـت.

• اصـل هفتـم: « وَ یَضْرِبُ اللّٰهُ الاَمْثَـالَ لِلنَّاسِ وَ اللّٰهُ بِکُلِّ شَـیْ ءٍ عَلِیمٌ»؛ اصل آیتی.

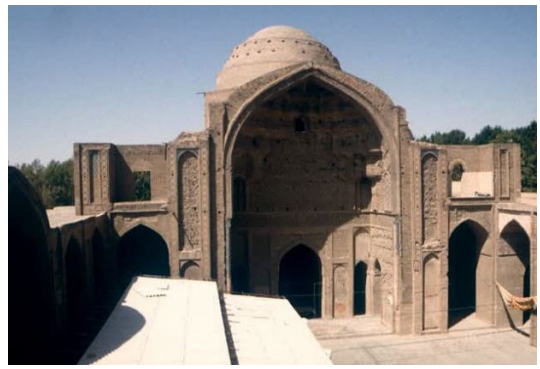
۶،۱. اصـل اول: «اللّٰهُ نُـورُ السَّـمٰوَاتِ وَالاَرْضِ»؛ اصـل هسـتی بخشـی مبتنـی بـر یگانگـی وجـود الهـی

خـدا روشـنگر هسـتی اسـت. چـرا کـه خداوند بـا پرتو لطـف خـود جهان را از نیسـتی به هسـتی آورده اسـت و آن را پدیـدار کـرده اسـت. هسـتی، فیـض خداونـد و پرتـوی از نـور اوسـت، قـوام و بقـای هسـتی از اوسـت. در سراسـر حکمـت ایرانـی، رابطـه رمزآمیـز تعریـف مبـداء هسـتی بخـش بـه واسـطه نـور به معنی هسـت شـدن و موجـود بـودن به واسـطه بود و وجودی اسـت کـه بـا نـور تعریف و شـناخته شـده اسـت. حضـور نور در اثـر معمـاری وجـود را تداعـی می‌کنـد و وجـود نور علـت موجودیـت را نشـان می‌دهـد. از ایـن رو موجـود کـه -در اینجـا معمـاری اسـت- هسـتی‌اش وابسـته به نـور اسـت، نور را کـه علاوه بـر پدیداری کالبد مسـبب



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۴. اصل اول؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر یگانگی وجود الهی**



مسجد جامع ورامین



مسجد حکیم اصفهان

پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند. اصل هستی‌بخش مبتنی بر یگانگی وجود الهی می‌باشد و ظهور آن مستلزم حضور تاریکی در فضاست(جدول۴). از این رو نور در این مقام «هستی بخش معماری» و به سخن دیگر نور جان معماری تلقی می‌شود. به عبارت بهتر:

• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که پیدایی اثر را سبب می‌شود و موجودیت آن را تعریف می کند؛

• نور در این تعبیر جان معماری است به این دلیل که حقیقت مکان بر پایه نور و مفاهیم وابسته به آن تعریف می‌شود؛

• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری را واجد باطنی کرده است که محتوای بیانگری استعلایی را در خود جای می‌دهد؛

• نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری همچون هر کنش دیگر در جوامع سنتی و آیینی، تمثیلی از موجودیتی(وجودی) است که به واسطه گونه‌ای از حضور نور پدیدار می‌شود و پیدایی خود را مدیون آن است.

۶,۲. اصل دوم: « مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکوةٍ فیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فی زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ کَاَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ»؛ اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلا ل

در این مثال، خداوند خود را به (مصباح) و جهان را به (مِشکاة) تشبیه فرموده است و مرادش از (زُجاجَة) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها نهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعدیل کننده و پخش کننده نور است. مصباح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبایی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوکب دری، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح است و شفافیتی که براثر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که درآن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجهٔ همچون کوکب درّی می‌درخشد»(طباطبائی، ۱۳۷۰، ج۱۵/ص۱۲۳). در نتیجه لازم است که نور به صورت سلسله مراتب و تعدیل شده وارد فضا گردد. شدت‌های متفاوت نوری، کیفیاتی متفاوتی را خلق می‌کند که بدان طریق می‌توان برای هر فضا با مشخصه خاص، نور ویژه‌ای را تعریف نمود. ملاصدرا در حکمت متعالیه، حقیقت وجود را واقعیتی ذومراتب



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۵. اصل دوم؛ اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال**



مسجد گنجعلی خان کرمان



مسجد امام اصفهان

و تشکیکی می‌داند که از وجود بی‌نهایت شدید شروع می‌شود و تا ضعیف‌ترین وجود یعنی وجود هیولا و مادهٔ نخستین امتداد می‌یابد. تشکیک در اصطلاح فلسفه البته بر اساس تفسیری که ملاصدرا از حقیقت خارجی دارد به این معنا است که وجود -که یک حقیقت واحد است- دارای مراتب مختلفی است و به عبارت دقیقتر در عین اینکه واحد است کثیر نیز هست و در عین کثیر بودنش واحد نیز هست. نور برای شناخته شدن نیاز به تجلی دارد و لذا معماری برای این منظور اسبابی را در نظر می‌گیرد که این اصل به گویایی بیشتر در فضای عبادی بروز نماید. بنابراین نور خدا هم گسترده است و هم ثابت. (شیشه، هم نور را زیاد می‌کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می‌کند.) اصل تجلی در معماری ایران قدیم توسط اصل حجاب در برابر نور غالب بوجود می‌آید. نور شریف است و شرافت نور به حجاب آن است که در قالب آن حجاب به فضای درونی نفوذ می‌کند و این امر در معماری مساجد ایران قدیم به وفور مشهود است. اساس این حجاب نیز مبتنی بر جمیل و جلال وجود است. به عبارت دیگر، نقوشی که در مقابل نور غالب کشیده می‌شود به زیبایی وجه جمال و کمال نور الهی را به صورت سلسهوار بر دیده مخاطب آشکار می‌نماید و باعث ازدیاد نور در فضای داخلی می‌گردد(جدول۵). با قرار دادن قالب برای نور غالب به عنوان حجاب، مکانیسم نورپردازی در فضای معماری قدیم ایران به صورت ذیل تعریف می‌گردد: مهار نور، تلطیف نور، انعکاس و جذب نور و هماهنگ کردن قدرت بینایی به نور.

۶،۳. اصل سوم: « يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لاَ شَرْقِيَّةٍ وَ لاَ غَرْبِيَّةٍ»؛ اصل عدالت (اصل بی جهتی و همه جهتی)

از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «لاشرقیه ولاغربیهٔ» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمرهٔ آن نیکو گردد. این امر موجب می‌گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالامال از نور است. از لحاظ علمی در اینگونه از فضاها، سایه فرد که نشانی از عالم مادی است به وجود نمی‌آید. و از ایجاد انبسان نوری(کنتراست) جلوگیری می‌کند. ارزش فضایی هر نقطه از فضای عبادی با سایر نقاط یکی است. این امر سبب پیدایش فضای بی جهت یا همه جهت می‌شود(جدول۶). معماری ما، در بالاترین و

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۶. اصل سوم؛ اصل عدالت (همه جهتی و بی جهتی)**



مسجد وکیل شیراز



مسجد جامع اصفهان

کلی‌ترین مرتبه طرح، حاوی بی‌جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبد خانه، نشستن طاقنماها یا قوس های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی‌جهتی کلی فضاها را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می کند. تأکید مصرانه معمار بر فضاهائی با قاعده مربع و هشت ضلعی و هشت و نیم هشت و حتی با کمی تسامح مستطیل، در گوشه و کنار بنا را نیز می‌توان منبعث از تمایل او به بی جهتی فضا دانست. با این تمهیدات در این فضاها به هیچ سوئی کشیده نمی‌شویم و یا کشش به هر سو با کشش جهت مقابل خنثی می‌گردد و به این ترتیب انسان فشاری بر خود احساس نمی‌کند، گویی معمار با فراهم آوردن اسباب بی جهتی در فضا به انسان رهائی و به فضا کمال بخشیده است، حتی در مسجد که توجه و تأکید بر جهت قبله مهم، لازم و محترم است، تمایز جهت قبله از جهات دیگر آنقدر نیست که بی جهتی زیربنائی و بنیانی فضا را مخدوش نماید. این بی جهتی فضا در افق در عین حال نوعی تأکید بر مرکز و توجه به سمت بالا را نیز در خود می‌پرورد یا زمینه را برای تحقق آن فراهم می‌کند.

**۶،۴. اصل چهارم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده**

این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ(مصباح) از روغنی فروغ می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده(روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. حضور اندیشیده نور در سراسر معماری قدیم ایران که از طریق انتخاب آگاهانه اجزا، ترکیب آنها و نیز اثر برآیندی‌شان به تحقق رسیده است ماده را به جسمی لطیف تبدیل می‌کند و به عبارتی کالبد خام معماری را به پیکره‌ای بر خلاف مادگی مورد انتظار تبدیل می‌کند. به تعبیری در این فرآیند که نوعی نیل به ماده زدایی است، نور حقیقت ماده را به لطافت و انعطاف و پویایی تبیین می‌کند و مشارکت نور و ماده، پیداگر نهان‌ها و بیانگر بیان‌ناپذیرها می‌شود (جدول۷). در این حالت



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

جدول ۷. اصل چهارم؛ اصل نفی ماده



مسجد جامع اصفهان



مسجد گنجعلی خان کرمان

تاریکی برای نور نقش مکمل را در پرداخت فضا دارد. اهمیت تاریکی در پردازش به میزانی است که عدم وجود آن این عمل را بی‌معنا می‌کند. همین مهم است که کیفیت فضاهای به تمام روشن دوران نو را به زیر سوال برده و رخداد پردازش در اینگونه فضاها را ناممکن ساخته است. ماده زدایی در معماری عملی کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشیاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می نامیم، و این هشیاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازاله سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می شود»(نصر، ۱۳۸۹،ص۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

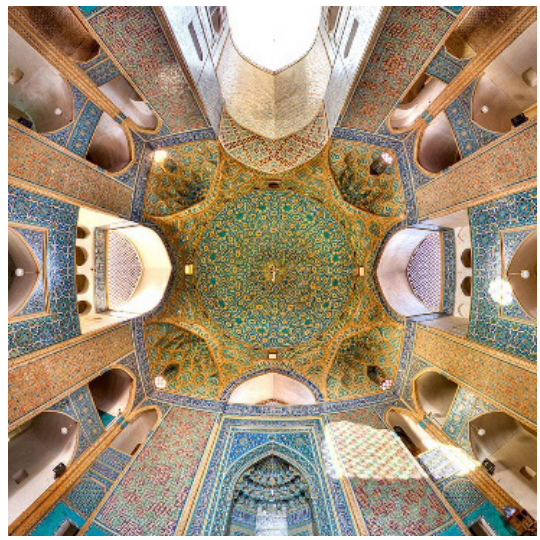
**۶،۵. اصل پنجم: «نُورٌ عَلی نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم**

روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. افاضه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آن ها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نَفَس رحمانی‌اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد ، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند .این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام). تمثیلی که در مورد خلق جدید در بسیاری از کتب دیده می‌شود ، این است که نور چراغ پیوسته در بقا و فناست و هر نفس، وجود چراغ در تبدیل است و تجدد که در نظر سطحی، گمان می‌رود، این فروزش از آغاز تا پایان یکی است. بر مبنای خلق جدید، تبدل و تجدد به طور مدام واقع می‌شود و به علت صفت ذاتی امکان، هر لحظه لباس وجود از تن پدیده‌ها برکنده می‌شود و به تجدد فیض رحمانی هر لحظه لباس جدیدی از وجود می‌پوشند، ولی به سبب سرعت انقضا و تجدد، این حقیقت بر ظاهر بینان مشهود و مکشوف نیست. در لابه‌لای بدنه بناهای معماری ایران، فضا هیچ‌گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود وابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غنابخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در قالب محدود و تمامیت یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری در درون خود دارد



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

جدول ۸. اصل پنجم؛ اصل استمرار و تداوم



مسجد جامع یزد



مسجد شیخ لطف الله

و حرکت به سوی آن، حرکتی به سوی بخش دیگر فضا است با کلیت و جامعیتی گسترده.

یکی از خصوصیات معماری ایران برقراری تداوم مکانی می‌باشد. پرده‌های فضایی، شروع و مقدمات آشکار ویژه‌ای را مشخص می‌نماید و اوج آن زمانی است که احوالات درون‌گرایانه به دلیل پشت سرگذاشتن مسیر و زمان به دریافت کاملی از یک حس باطنی در این عبور فضایی رسیده باشد. این آمادگی متأثر از حرکت، زمان و نور ایجاد می‌شود. نور در فضای معماری قدیم ایران حضوری مداوم و متغییر دارد و با القای حسی از تداوم و هماهنگی باعث درک تداوم زمان در فضا می‌شود (جدول۸).

**۶،۶. اصل ششم: «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت**

حرکت طبیعت نور طبیعی و علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشیده ابزارهای بیانی معماری به منظور تاکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصیاتی است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متاثر است. حرکت که همواره با موضوع «سوی» در «اثربخشی به فضا» و نیز «اثرپذیری از کالبد» نقش دارد، چه آنگاه که تامین روشنایی را به همراه تنظیم شرایط حرارتی برآورده می‌سازد و چه آنگاه که منبع برجای گذاری انواعی از اثرهای نوری و نشانی از ردپای حقیقت نور در معماری می شود، سبب مداخلات انحصاری نور در این معماری است. گزینش مکانی، شکلی و نوعی هر جزء معماری در نسبت با تغییرات و تحولات حاصل از «حرکت نور و سایه» و «تصویرسازی‌های نور» بر روی سطوح و در پی آن بر احجام که بنا به تغییر در زاویه تابش با ورود به درون فضاها اثرهای نوری متفاوت و متحرکی را در زمان‌های متفاوت بر جای می‌گذارند، به معماری قدیم ایران هویت معتبری بخشیده است. حرکت علاوه بر اینکه خود به عنوان یک عامل مستقیم در حضور کیفی نور قابل تعریف است، از آن رو که موجب جان‌بخشی فضا از حیث «پویایی» می‌شود، دلیل جان بخشی اثر معماری شده است. حرکت نور بر روی سطوح و ایجاد تغییر میزان روشنایی آنها میان قلمروهای روشنایی و نیمه تاریکی؛ روشنی و تاریکی؛ و روشنایی و درخشانی که در طول ساعت‌های مختلف روز محدوده‌های مختلفی را تعیین می‌کنند همچون نقشی که طرح های اسلیمی و دیگر آرایه ها بر پیکره معماری ایفا می‌کنند، تداعی‌گر گونه‌ای از پویایی شده که در

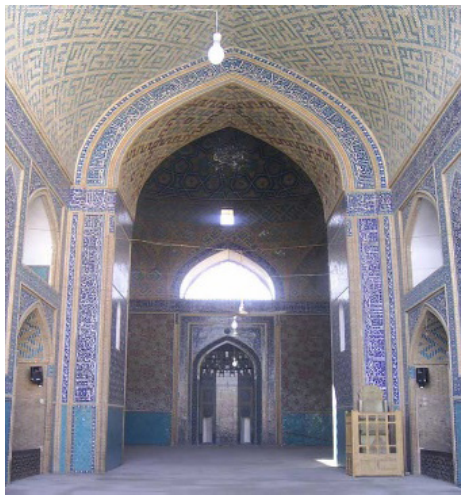


[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۹. اصل ششم؛ اصل حرکت و جهت**



مسجد حکیم اصفهان



مسجد جامع یزد

قیاس با مبانی تعریف کننده حرکت در حکمت قدیم ایرانی، یادآور «زنده بودن» است. حرکت عاملی وابسته به زمان است و در معماری قدیم ایران با نور تعریف می‌شود. به سخن دیگر حرکت عامل تعیین‌کننده زمان قراردادی (طلوع و غروب خورشید و ...) می‌شود و تغییر ناشی از حرکت در سیر زمان، تلقی از «بودن، ماندگاری و زندگی و منبع باشیدن» است. مشارکت اجزای معماری با ویژگی حرکت نور اهمیت ویژه‌ای در معماری قدیم ایران داشته است و سازگاری این معماری را با اصل حرکت، تعریف زمان و باور به زنده بودن اجزای عالم یادآور می‌شود. حرکت هدفمند نور در معماری قدیم ایران به عنوان یک ویژگی مورد توجه بوده و حضور کیفی نور را به طور متداوم تضمین کرده است. نور در این معماری نه تنها از ابزار تعیین جهت به شمار رفته است بلکه در گزینش جهت وارد شدن به فضا که برای حضور بخشی به فضا موثر است دخالت دارد (جدول۹).

«جهت وارد شدن نور به فضا» در اغلب موارد بویژه در فضاهای مذهبی چون مسجد و در فضای اصلی نیایش به گونه ای است که به تناسب عملکرد فضا، یا تعمدانه برای توجه به جهتی خاص به کار رفته یا آگاهانه برای سلب توجه از سوی نور، مورد استفاده قرار گرفته است. جهت ورود نور در فضاهای حرکتی بناهای مذهبی به عنوان یک نیاز عملکردی در تعیین «راستای حرکت و تعریف کجایی» در فضا، چه با در معرض دید قرار دادن روزنه و چه با تاکید بر اثرهای نوری، مورد توجه بوده است. نور در اصلی‌ترین فضای نیایش و به منظور سلب توجه از جهتی خاص، برای «همه از نور بودن» ماده، تاکید بر جهتی خاص را در روشنایی بخشی ندارد مگر در تعیین سوی خاص که به طور معمول «جهت مقدس» است. موارد زیر مبانی تحقق ویژگی سوی نور در معماری قدیم ایران بوده‌اند که به صورت‌های شکلی مختلف در دوره‌های متفاوت عینیت یافته یا به ادراک در آمده‌اند:

- نور به منظور تعیین راستای حرکتی در ارتباط‌های فضایی؛
- نور به منظور تاکید بر راستا یا نقطه ای مشخص؛
- نور به منظور فراهم آوری بی‌جهتی و فراگیری(همه جایی).

**۶,۷. اصل هفتم: «وَ یَضْرِبُ اللّٰهُ الاَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللّٰهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ»؛ اصل آیتی**

در معماری هر اثر برپا شده بیانگر است و در جوامع وابسته به سنت هر عمل معمار در برپایی مکان



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**جدول ۱۰. اصل هفتم؛ اصل آیتی**



مسجد شیخ لطف الله

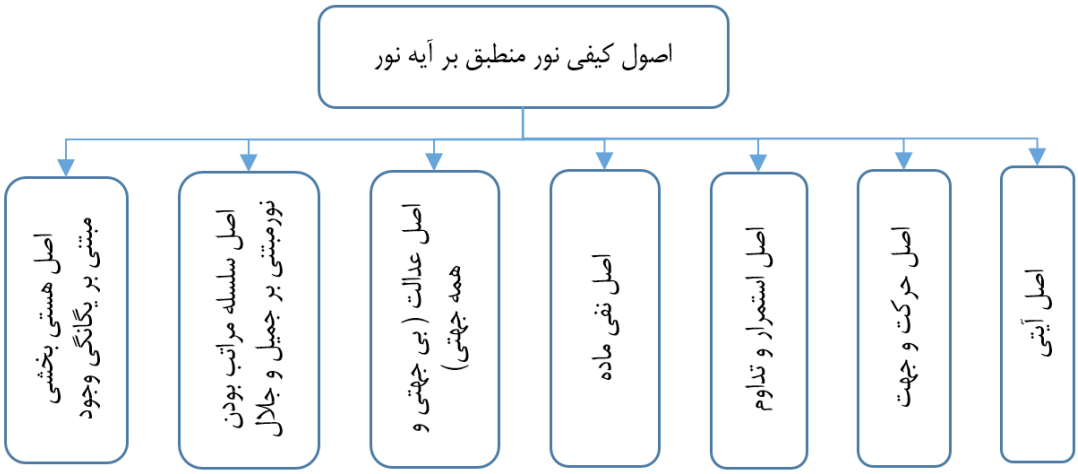


مسجد گنجعلی خان کرمان

رخداد زندگی متعلق به آن، نشانه و ردپایی را از مبانی شکل دهنده به آن زندگی آشکار می‌کند. بیانگر از این رو که مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسان است و نشانه از آن رو که نشان از ملاحضات حقیقت زندگی متصور برای آن دارد. این تبیین و نشانه داشتن به وجه چند سویه نور، مفهوم نشان داشتن از محتوایی را که اساس زندگی بر پایه آن شکل گرفته است روشن می‌سازد. به سخن دیگر نور از حیث مقام بیانگری معماری، نشان از اصل نور، نورالانوار دارد؛ ردپایی از حضور دارد که چه در عالم ماده و چه در عالم نفس تعریف شده است. نور در غالب نقشی که در معماری ایران قدیم دارا بوده است حضوری «غیرمستقیم» و «آیتی» دارد. در واقع آنچه از نور در این معماری به احساس و ادراک در می آید بیشتر آیتی از حضور آن است و به بیان دیگر حاصل انواع کنش و مشارکت میان ابزارهای بیانی معماری و نور است تا خود آن، مگر در فضای باز بیرونی چون میانسراها و فضاهای واسط که به نوع دیگری است. اثرهای نوری حضور نور که در فضای معماری قدیم ایران تجربه می‌شود، شاخص‌تر از حضور مستقیم نور است. اثر معماری برای «نورغالب» در معماری قدیم ایران همچون حجاب است و این حجاب به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند آنگونه که مورد نیاز و خواست است نور را منشاء اثر در اثر معماری کند. از این رو این حجاب که خود قالب نور است نور را از مدخل‌های متفاوت به شیوه‌های مورد نظر به درون آورده است و اجزای قالب یا کالبد در همراهی با خواستی که حضور کیفی نور را طلب دارد به آن حضور بخشیده‌اند. در حکمت و عرفان ایرانی اصل «نشانه داشتن هستی یافته از هستی داده و مصنوع از صانع» یک باور پذیرفته است و گمان بر این است که برپادارندگان معماری از این اصل در به حضور رساندن نور که ردپایی از «هستی؛ یگانه هستی بخش؛ و همه جایی و همه زمانی حضور هستی بخش» دارد، بهره برده و آن را به تصویر و تصور در آورده‌اند. این مفاهیم در کالبد معماری قدیم ایران به همراه نقش فراهم‌آوری زمینه برای به حضور رساندن نور از طریق «اصل تضاد» و توسط تاریکی مهیا شده است. وجود تاریکی با وجود تقابل تاریکی به مفهوم ظلمت،



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]




**نمودار ۱. اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور (نگارنده)**

عنصری کارا و شاخص است (جدول۱۰). تاریکی به عنوان ابزاری مناسب و لازم برای تایید و تاکید بر نور است و در معماری قدیم ایران برای نمایانی نقش نور به شکل‌های متفاوت به کار رفته است تا قلمروی آن «مظهر تجلی نور» شود از آن رو لازمه «رخ نمایی نور»، بر اساس قوانین فیزیکی دیدن، روشنایی نیست بلکه تاریکی است. سه ویژگی کلی زیر در تعریف نقش نشانه‌ای یا آیتی نور در معماری قدیم ایران قابل شناسایی است:

- کمتر آشکار بودن یا پنهان بودن منبع نوری و بیشتر پیدا بودن اثر نور؛
- قدرت اثری نوری در نمایانی و چه چیز را نمایان کردن؛
- تصویرسازی به یاری رفتارهای نوری.

## ۷. جمع بندی و نتیجه گیری

نور به عنوان پایه و اساس باور اعتقادی در فرهنگ مردمان ایران قدیم، حضور چشمگیری در معماری فضاهای عبادی(مساجد) به عنوان تجلی‌گاه توحیدالهی داشته است. حضور نور در مساجد تاریخی ایران قدیم با تبعیت از ارزش‌های اسلامی به صورت کیفی بوده و جنبه کمی و فیزیکی آن جزئی جدائی‌ناپذیر از این حضور قلمداد می‌شود به بیان دیگر ارزش‌های دینی، رفتارهای نور و تاریکی را تابع خود می‌کند و باعث افزایش حضور کیفی نور روز در فضای عبادی گشته و با تبدیل مشخصه‌های فضا، از کمی به کیفی، باعث پیدایش «مکان‌مقدس» می‌گردد. نگارنده بر اساس تاویل‌های صورت‌گرفته از آیه نور توسط مفسران اسلامی و مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر، اصولی را استخراج نموده است که به عنوان ویژگی‌های کیفی نور تعریف و آنها را در نمونه‌های مساجد ارزشمند ادوار تاریخی ایران مورد تطبیق قرار داده است. این اصول در نمودار (۱) بیان شده است.

متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبشخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکا به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدهایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفی شده، چشم‌اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهایی منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.



[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

**منابع و ماخذ**


۱. «قرآن کریم»، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. اسپینورا، باروخ (۱۳۶۴) «اخلاق»، ترجمه محسن جهانگیری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) «نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت»، تهران، نشر مرکز.
۴. باسائو، مری (۱۳۸۵) «نور»، ترجمه فریبا مقدم، چاپ اول، تهران، انتشارات حمیدا.
۵. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی (۱۳۹۰) «بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)»، مجله معماری و شهرسازی اسلامی.
۶. بمانیان، محمدرضا و نیکودل، فهیمه (۱۳۹۳) «بررسی انواع نورگیری و روش‌های تامین نور در مساجد دوره قاجار تهران»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره سوم.
۷. تقی زاده، حسن (۱۳۳۵) «مانی و دین او»، فراهم آورنده: احمد افشار شیرازی، تهران، چاپخانه مجلس.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) «لغت نامه»، جلد پانزدهم و دهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۵) «مجموعه مصنفات»، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر، نجفقلی حبیبی. چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۸۳) «حکمه الاشراق»، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۰) «تفسیر المیزان»، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۲. عمید، حسن، (۱۳۷۹) «فرهنگ عمید»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۳. «کتاب مقدس» (۱۳۶۲) تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۱۴. کشمیری، هادی و نوشادی، زهره و عباسی، منیژه، (۱۳۹۲) «بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران (با نگاهی به مساجد و خانه ها)»، همایش معماری پایدار و توسعه شهری.
۱۵. لاهوری، اقبال، (۱۳۸۰) «سیر فلسفه در ایران»، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، نگاه.
۱۶. معین، محمد، (۱۳۷۹) «فرهنگ فارسی»، جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۷. میرفخرایی، مهشید، (۱۳۸۳) «فرشته روشنی: مانی و آموزه های او»، تهران، ققنوس.
۱۸. نصر، سید حسین، (۱۳۸۹) «هنر و معنویت اسلامی»، ترجمه رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران، انتشارات حکمت.
۱۹. نوربخش، سیما، (۱۳۸۶) «آیت اشراق»، تهران، مهر نیوشا.
۲۰. هومن، محمود، (۱۳۸۱) «تاریخ فلسفه(کتاب اول)»، چاپ سوم، تهران، انتشارات پنگان.




[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]

[ Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02 ]